



An Analysis of the Conceptual Metaphor of the Qur'anic Verses Related to the Resurrection Day

Mortaza Abdi Chari¹

Fatemeh Hedayati Azizi²

Received: 03/03/2021

Accepted: 24/04/2021

Abstract

The theory of metaphor, a concept introduced in the last decades of the twentieth century by two linguists, George Lycoff and Mark Johnson, challenged traditional theories. According to this theory, conceptual metaphor is rooted in the human mind and flows subconsciously in human daily life. Lycoff and Johnson have divided conceptual metaphor into three types: structural, ontological, and directional. In the present study, we have studied the verses related to the Resurrection with an analytical-theoretical method, in which a conceptual metaphor has been used in order to better understand and better comprehend what is unknown to us from that world, such as events, miqats and 170 letters. The results of the research indicate that the Holy Quran, due to the unfamiliarity and intangibility of the world after death, has used the form and tools of language as a metaphor to better understand this event; But the important point in this research is that among the verses of the Qur'an in which conceptual metaphor is used in different types, most of these metaphors are related to the Great Resurrection, which God has expressed through the conceptual metaphor of the Resurrection and its circumstances. Its ontological type includes the most words and the structural and directional type is in the next order. This shows that transcendental and futuristic topics are more plausible to the audience in the form of metaphors.

Keywords

Quran, Conceptual Metaphor, Ontological Metaphor, Structural Metaphor, Resurrection Verses

1. Ph.D., Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (Corresponding Author).
m.abdichari@isca.ac.ir

2. Instructor and Deputy of Women seminaries of Mazandaran. Mazandaran, Iran. fadak1835@yahoo.com

* Abdi Chari, M. & Hedayati Azizi, F. (2020). An Analysis of the Conceptual Metaphor of the Qur'anic Verses Related to the Resurrection Day. *Journal of Theology & Islamic Knowledge*, 2(4). pp. 65-97. Doi: 10.22081/jikm.2021.60370.1052

تحلیل و بررسی استعاره مفهومی آیات مربوط به قیامت

مرتضی عبدی چاری^۱ فاطمه هدایتی عزیزی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳

چکیده

نظریه استعاره مفهومی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم که دو زبان‌شناس به نام‌های جورج لیکاف و مارک جانسون آن را ارائه کردند، موجب ایجاد چالشی در بین نظریه‌های سنتی گردید. مطابق با این نظریه، استعاره مفهومی ریشه در ذهن انسان دارد و به صورت ناخودآگاه در زندگی روزمره انسان جریان دارد. لیکاف و جانسون استعاره مفهومی را به سه نوع ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی تقسیم کرده‌اند. در پژوهش حاضر با روش تحلیلی - نظری به بررسی آیات مربوط به قیامت پرداخته‌ایم که در آنها از استعاره مفهومی به جهت فهم بهتر و درک بیشتر آنچه برای ما از آن جهان ناشناخته است، از قبیل واقعه، میقات و نام‌های ۱۷۰ گانه پرداخته شده است. دستاورد تحقیق حاکی است قرآن کریم با توجه به نامانوس و غیرمحسوس بودن جهان پس از مرگ، از قالب و ابزار زبان به صورت استعاره‌ای جهت فهم بیشتر این واقعه استفاده کرده است؛ اما نکته حائز اهمیت در این پژوهش این است که در میان آیات قرآن که در آنها استعاره مفهومی در انواع مختلف به کار رفته است، غالب این استعارات مربوط به قیامت کبری است که خداوند از طریق استعاره مفهومی قیامت و احوال آن را بیان کرده است و نوع هستی‌شناسی آن بیشترین کلمات را شامل شده و نوع ساختاری و جهتی در مرتبه بعدی قرار دارد. این مسئله نشان می‌دهد مباحث ماورایی و آینده‌پژوهی در قالب استعاره‌ای برای مخاطب باورپذیرترند.

کلیدواژه‌ها

قرآن، استعاره مفهومی، استعاره هستی‌شناختی، استعاره ساختاری، آیات قیامت.

۱. دکترای تخصصی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). m.abdichari@isca.ac.ir

۲. مربی و معاون آموزش حوزه علمیه خواهران استان مازندران، ایران. fadak1835@yahoo.com

■ عبدی چاری، مرتضی؛ هدایتی عزیزی، فاطمه. (۱۳۹۹). تحلیل و بررسی استعاره مفهومی آیات مربوط به قیامت. دوفصلنامه علمی - ترویجی مدیریت دانش اسلامی، ۲(۴)، صص ۶۵-۹۷.

Doi: 10.22081/jikm.2021.60370.1052

مقدمه

قرآن موهبتی از طرف خدا برای هدایت انسان‌ها است و هر شخصی به فراخور درک خود از این دریای بیکران بهره‌مند می‌شود. دانشمندان برای درک و بهره بیشتر، از علوم مختلف بهره‌جسته تا آیات قرآن را برای تشنگان علوم قرآنی قابل فهم‌تر نمایند؛ از این‌رو علوم قرآنی دارای شاخه‌های مختلفی است؛ از جمله این شاخه‌ها، دانش «استعاره مفهومی» است. استعاره مفهومی، امری ذهنی و مفهومی است که با عبارت استعاری تفاوت دارد؛ زیرا عبارت استعاری زبانی است و ضمن اینکه استعاره مفهومی می‌تواند با جملاتی بیان شود که اساساً شباهت لفظی چندانی با عبارت استعاری زبانی ندارند.

آشنایی هرچه بیشتر با این موضوع می‌تواند به فهم قرآن کمک کند. شناخت استعاره مفهومی به مترجمان و مفسران قرآن جهت ترجمه و تفسیر بهتر کمک می‌کند. استعاره نه تنها به مفهوم انتزاعی شکل بیشتری می‌دهد، بلکه کلام همراه با استعاره، نفوذ بیشتری دارد.

۱. پیشینه استفاده از استعاره

ارسطو نخستین کسی است که استعاره را تعریف کرده است. او بیان می‌کند: استعاره مقایسه دو پدیده است که یکی از آنها از طریق واژه صریح به کار برده می‌شود و واژه دیگر به صورت تشبیه و استعاری بیان می‌شود (صباحی گراغانی، حیدریان شهری و حسین‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۸۷).

بسیاری بر اساس گفته ارسطو، استعاره را همان تشبیه می‌دانند که ادات آن حذف شده است. این تعریف را ادیبان غربی به کار گرفته‌اند و نویسندگان دوره اسلامی، با تقسیم تشبیه به تشبیه تام و محذوف، استعاره را همان تشبیه محذوف دانسته‌اند که فقط مشبّه‌به در آن ذکر می‌شود. بعضی دیگر از عالمان علوم بلاغت، بر این اساس که دلالت استعاره عقلی است، آن را از انواع مجاز به شمار آورده‌اند. قدیمی‌ترین تعریف استعاره به مفهوم رایج را جاحظ بیان کرده است که در کتاب البیان و التبيين آورده است:

استعاره نامیدن چیزی است به نامی جز نام اصلی‌اش، هنگامی که جای آن چیز را گرفته باشد.

سکاکی استعاره را مجازی می‌داند که میان معنای اصلی و غیراصلی از جهت مشابهت مناسب و پیوستگی وجود دارد؛ بنابراین استعاره نوعی مجاز لغوی بر مبنای تشبیه است که در آن یکی از دو طرف تشبیه (مشبه یا مشبه‌به)، ادات تشبیه و وجه شبه حذف شده است؛ برای مثال وقتی می‌گوییم «دریایی را دیدم که سخنرانی می‌کرد»، واژه دریا در معنای اصلی خود به کار نرفته است. در اینجا علاقهٔ مشابهت، گستردگی دانش سخنران و پهناوری دریا است و قرینه نیز واژه «سخنرانی کردن» است (دادبه، فرزانه، ۱۳۶۷، ص ۲۴۷).

با بررسی کتاب‌ها و مقالاتی که در خصوص استعاره مفهومی نگارش شده است به دست آمد با توجه به جنبه‌های مختلف استعاره مفهومی، با محوریت لفظ قیامت، مطلبی به نگارش در نیامده است؛ از این رو با توجه به گستردگی این لفظ با الفاظ متفاوت و گستردگی کمی و کیفی آن در آیات قرآن کریم لازم است پژوهشی در این زمینه صورت پذیرد؛ بنابراین در پژوهش حاضر به بررسی آیات مربوط به قیامت و بررسی استعاره‌های به کاررفته در آن با توجه به انواع سه‌گانه در استعاره مفهومی پرداخته خواهد شد.

۲. نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون

واژه metaphor از واژه یونانی metaphora گرفته شده که خود مشتق است از meta به معنای «فرا» و pherein به معنای «بردن» است. مقصود از این واژه دستهٔ خاصی از فرایندهای زبانی است که در آنها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر «فرابرده» یا منتقل می‌شوند، به گونه‌ای که از شیء دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است. استعاره انواع گوناگون دارد و تعداد اشیا دخیل در آن نیز می‌تواند تغییر کند؛ اما روال کلی «انتقال» بی‌تغییر می‌ماند. استعاره را همواره اصلی‌ترین شکل زبان مجازی دانسته‌اند. زبان مجازی یعنی زبانی که مقصودش همان نیست که می‌گوید (هاوکس، ۱۳۷۷، ص ۱۱). در

زبان‌شناسی شناختی، استعاره روشی است که با آن، حوزه‌ای ذهنی بر اساس اصطلاحات و مفاهیم حوزه‌ای دیگر به تصویر کشیده می‌شود و مفهوم‌سازی می‌شود؛ بنابراین استعاره یعنی تطابق بینا حوزه‌ای (قلمروهای متقاطع) در نظام مفهومی (Lakeoff, 1992, p. 1). استعاره در نگاه جدید، از دهه‌های پایانی قرن بیستم با نظرات دو زبان‌شناس به نام‌های جور لیکاف^۱ و مارک جانسون^۲ آغاز شد. این دو، کتابی به نام استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم^۳ را نوشتند و نظریه استعاره مفهومی را در این کتاب بیان کردند. لیکاف و جانسون هم‌زمان دریافته بودند سنت‌های معناشناختی فلسفه و زبان‌شناسی غرب برای بیان رابطه سه‌ضلعی ذهن و زبان و جهان کارایی لازم را ندارند و سنت‌های مذکور رابطه اندکی با چیزی دارند که مردم در زندگی‌شان «معنادار» می‌یابند. از سویی جانسون در پژوهش‌هایش دریافته بود که سنت فلسفی غرب در درک جهان پیرامونی یا نقشی برای استعاره قایل نیست یا نقش استعاره را بسیار کم‌رنگ می‌بیند. از آن سو لیکاف شواهد زبان‌شناختی‌ای یافته بود که نشان می‌دادند استعاره در زندگی و اندیشه روزمره آدمیان نقشی فراگیر و غیرقابل انکار دارد. این دو در آن زمان حدس می‌زدند شاید استعاره کلیدی برای یافتن توضیحی جامع درباره ادراک باشد. آن دو کار را برای نوشتن مقاله‌ای با هدف زدودن کژئی‌ها از نظریه‌های رایج معناشناسی آغاز می‌کنند و خیلی زود متوجه می‌شوند حتی طرح موضوع بدون تصحیح گروهی از خطاهای درست انگاشته شده در سنت فلسفی غرب شدنی نیست. پس به‌ناچار نوشتن کتاب گفته شده را با رویکردی تجربه‌گرا آغاز کردند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۵، صص ۵-۶).

لیکاف و جانسون با انتشار کتاب استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم نگاه کلاسیک استعاره را به چالش کشیدند و ادعا کردند استعاره به حوزه زبان محدود نمی‌شود، بلکه سراسر زندگی روزمره، از جمله حوزه اندیشه و عملمان را نیز در بر گرفته است، به طوری که نظام مفهومی هرروزه ما - که براساس آن فکر و عمل

1. George Lakoffer

2. Mark Johnson

3. Metaphors We Live By

می‌کنیم - ماهیتی اساس از استعاری را دارا است. این کتاب موجب شد تا بسیاری از خوانندگان به شناختی تازه از استعاره دست یابند: استعاره‌ها نه تنها نگاه کنونی ما به زندگی را شکل می‌دهند، بلکه می‌توانند توقعات و انتظارات ما در مورد زندگی آینده‌مان را نیز تعیین کنند (خادم‌زاده و سعیدی مهر، ۱۳۹۳، ص ۸).

لیکاف و جانسون مدعی شدند مفاهیم حاکم بر اندیشه ما فقط شامل موضوعات فکری نمی‌شوند، بلکه اعمال روزمره ما و حتی پیش‌پاافتاده‌ترین جزئیات آن را نیز دربرمی‌گیرند. ساختار ادراکات، نحوه مرادده ما در جهان و چگونگی تعامل ما با دیگر افراد را همین مفاهیم ذهنی شکل می‌دهند؛ بنابراین نظام مفهومی ما نقشی اساسی در تعریف واقعیات روزمره‌مان ایفا می‌کند و اگر درستی این ادعا را قبول کنیم، باید پذیریم که نحوه اندیشیدن، تجربه‌ها و اعمال روزانه‌مان موضوعاتی مرتبط با استعاره‌اند (خادم‌زاده و سعیدی مهر، ۱۳۹۳، ص ۸).

آرای کلیدی لیکاف و جانسون را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- استعاره‌ها به‌طور اساسی، طبیعتی مفهومی دارند.
- استعاره‌های مفهومی، ریشه در تجربیات هرروزه ما دارند.
- اندیشه انتزاعی به‌طور کامل استعاری است.
- مفاهیم انتزاعی بدون استعاره‌ها کامل نیستند؛ برای مثال عشق بدون استعاره، عشق نیست و معانی آن همگی استعاری‌اند: جذابیت، دیوانگی، اتحاد، مهربانی و مانند آن.
- نظام‌های ادراکی ما، به‌طور ثابت همه‌گیر نیستند. زمانی که استعاره برای استدلال در رابطه با دیگر مفاهیم به کار می‌رود، ممکن است ناپایدار باشد.
- ما بر پایه استنباط‌هایی که به وسیله استعاره‌ها به دست می‌آوریم، زیست می‌کنیم (امینی، کامیابی گل و نوروزی، بی‌تا، ص ۱۰۴).

۳. انواع استعاره از منظر لیکاف و جانسون

لیکاف و جانسون با تکیه بر شواهد زبانی روزمره، نمونه‌های به‌دست آمده را به سه دسته اصلی استعاره‌های جهت‌ی، استعاره‌های هستی‌شناختی و استعاره‌های ساختاری تقسیم

کردند؛ البته چنان که این دو خود اذعان داشته‌اند، این تقسیم‌بندی تصنعی و خام است و اشکالاتی بر آن وارد است:

۳-۱. استعاره هستی‌شناختی

استعاره هستی‌شناختی، شیوه‌ای از دیدن مفاهیم نامحسوس مانند احساسات، فعالیت‌ها و عقاید را به مثابه یک هستی یا جوهر فراهم می‌سازد (هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹). دامنه این استعاره بسیار گسترده است؛ چراکه استعاره‌های هستی‌شناختی را برای درک رویدادها، کنش‌ها، فعالیت‌ها و حالات به کار می‌بریم و به ترتیب آنها را به مثابه اشیا، مواد و ظروف، مفهومی و تصویری، بنمایانیم (هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴)؛ یعنی چیزهایی که در مورد ماهیتشان اطلاعات اندک و ناکافی داریم یا حتی هیچ شناخت قابل درکی از آنها نداریم، به کمک استعاره هستی‌شناختی در قالب یک پدیده یا رخداد غیر ملموس اما کلی و قابل درک بیان می‌شوند و برای مخاطب قابل پذیرش‌اند؛ از این رو قیامت از احوالاتی است که برای مخاطب به راحتی قابل پذیرش نیست و خداوند در آیات مختلف و با استعاره مفهومی به بخش یا قسمتی از احوالات قیامت که قابل درک به صورت کلی و غیر ملموس‌اند، پرداخته است، مانند آیه «يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّعَابِينِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ صَالِحاً يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ الْقَوْمُ الْعَظِيمُ؛ روزی که شما را برای روز گردآوری گرد می‌آورد، آن [روز]، روز حسرت [خوردن] است و هر کس به خدا ایمان آورده و کار شایسته‌ای کرده باشد، بدی‌هایش را از او بسترده و او را در بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است در آورد. در آنجا بمانند. این همان کامیابی بزرگ است» (تغابن، ۹).

در قیامت پرده‌ها کنار می‌روند و نتایج اعمال و عقاید و نیات آشکار می‌شوند و انسان خود را در مقابل انبوهی از نتایج و آثار اعمال خویش می‌بیند و آنجا است که بدکاران از شکست و زیان خود و فریب و نیرنگ شیطان و ازدست‌دادن سرمایه‌های عظیم و محروم شدن از سعادت جاویدان و گرفتاری در چنگال عذاب الهی باخبر

می‌شوند و این غبن حقیقی است؛ روز مغبون شدن انسان‌ها استعاره مفهومی از قیامت است که انسان به صورت غیر ملموس و تصویری می‌تواند آن را درک کند.

۲-۳. استعاره ساختاری

لیکاف و جانسون اساس استعاره ساختاری را ساماندهی یک مفهوم در چارچوب مفهومی دیگر می‌دانند و برآن‌اند که اکثر استعاره‌های گزاره‌ای از این نوع‌اند. آنان برای روشن تر کردن این استعاره‌ها، با طرح استعاره «مباحثه، جنگ است» نشان می‌دهند ما چگونه بحث و مجادله را با تجربه جنگ و نبرد، مفهومی و تصویری می‌کنیم (هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳). واژه‌هایی مانند غیرقابل دفاع است، حمله کردن به نقاط ضعف استدلال، هدف‌گیری درست انتقادها، درهم کوبیدن استدلال و شکست دادن که غالباً در صحنه جنگ استفاده می‌شده، برای صحنه‌های محاوره‌ای به کار می‌روند. صحنه جنگ یک مفهوم حسی و ملموس است که استعاره شده برای جدال‌ها و مناظرات کلامی و تمام ساختار کلامی ملموس (جنگ) در مناظرات پیاده‌سازی شده است. این مسئله در آیات قیامت بسیار دیده شده است خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبَّوساً قَفَطِيرًا؛ ما از پروردگارانمان از روز عبوسی سخت، هراسناکیم» (انسان، ۱۰). خداوند احوال انسان‌های در روز قیامت را به شخصی عبوس - که قابل درک حسی است - به استعاره برده است؛ چون آن‌قدر حوادث آن سخت و ناراحت‌کننده است که نه تنها انسان‌ها در آن روز عبوس‌اند، بلکه گویی خود آن روز نیز قیافه‌اش را سخت درهم کشیده و ناراحت است.

۳-۳. استعاره جهتی

استعاره‌های وضعی یا جهتی استعاره‌هایی هستند که عمدتاً مفاهیم را براساس جهت‌گیری فضایی، مانند بالا، پایین، عقب، جلو، دور و نزدیک، سازماندهی و مفهومی می‌کنند. کارکرد استعاری این جهت‌گیری‌های فضایی از این واقعیت نشئت می‌گیرد که بدن انسان مکان‌مند و فضایی است و شکل عملکرد جسم وی با کارکردهایش در

محیط بیرون یکسان است؛ بدین ترتیب استعاره‌های جهت‌گیرانه، به مفاهیم، جهت‌گیری فضایی می‌دهند (هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳)؛ مثلاً «یوم الاخره» در آیات مختلف زیادی آمده است که شمار آن بالغ بر هشتاد آیه می‌شود که همه آنها دلالت بر قیامت دارند و استعاره به کاررفته در آنها جهتی است؛ چون دنیا در ابتدای امر و برزخ در وسط این جهان است و قیامت در آخر این دو عالم قرار دارد؛ بنابراین به استعاره جهتی از قیامت به آخر جهان تعبیر شده است.

از این رو در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که به صورت استعاره مفهومی مطرح شده‌اند؛ مثل گذر زندگی انسان که در آیات مختلف با کلمات صراط، طریقه،^۱ سبیل^۲ و دارالقرار^۳ بیان شده است که هر کدام دارای مفاهیم اصلی و تبعی هستند که در لابه‌لای متن قرآن به استعاره مفهوی دلالت بر گذر زندگی انسان در دنیا و آخرت می‌کنند.

نکته مهم این است که آیا این نوع استعاره در مباحث قرآنی و به‌خصوص در موضوع قیامت کاربرد دارد یا نه. کاری نو و بدیع است که می‌تواند به تفسیر و پرده‌برداری از مفاهیم بعضی از آیات کمک شایانی کند.

۴. قیامت در قرآن کریم

قیامت در لغت از قیام، خیزش و برخاستن است و در اصطلاح، برخاستن انسان از خاک و حضور در عالم پس از مرگ را قیامت گویند (ابن‌منظور، ۱۹۹۹م، ج ۱۲، ص ۵۰۶).

۱. «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ و اگر [مردم] در راه درست پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم» (جن، ۱۶).

۲. «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ و [بدانید] این است راه راست من؛ پس از آن پیروی کنید و از راه‌ها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد، پیروی مکنید. اینها است که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که به تقوا گرایید» (انعام، ۱۵۳).

۳. «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هِيَ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ؛ ای قوم من، این زندگی دنیا تنها کالایی [ناچیز] است و در حقیقت، آن آخرت است که سرای پایدار است» (غافر، ۳۹).

برای قیامت دو تعبیر وجود دارد: صغری و کبری. از این رو هر کس می‌میرد، قیامت صغرای او بر پا می‌شود (من مات قامت قیامته^۱) و سرآغازی است برای پاداش و کیفرها که بخشی جنبه برزخی دارد و بخش دیگری در قیامت کبری یعنی قیامت عمومی انسان‌ها گریبانگیرشان می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۴۶۵).

اما قیامت صغری «عالم برزخ» و عالم ابتدایی انسان پس از مرگ است. عالم برزخ، جهانی است که میان دنیا و عالم آخرت قرار دارد. هنگامی که روح از بدن جدا می‌شود، پیش از آنکه بار دیگر در قیامت به بدن اصلی باز گردد، در عالمی که میان این دو عالم است، قرار خواهد داشت. خداوند در قرآن درباره عالم برزخ می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ هنگامی که مرگ یکی از انسان‌ها فرا می‌رسد، [تقاضا می‌کند] پروردگارا! مرا به دنیا برگردان تا اعمال صالحی را که ترک کرده بودم، انجام دهم. [در پاسخ به وی گفته می‌شود] بس کن، هرگز بازگشتی برای تو نیست و این سخن بی‌اساسی است که او بر زبان جاری می‌کند و پس از زندگی دنیوی آنان، حیات برزخی است که تا قیامت ادامه دارد» (مؤمنون، ۹۹ و ۱۰۰). این آیه شریفه که ندامت شدید شخص و تقاضای بازگشت دوباره وی را برای جبران گذشته خاطر نشان می‌کند، به روشنی بر جهان برزخ که فاصله بین عالم دنیا و قیامت است، دلالت دارد.

اما قیامت کبری عالمی است پس از عالم برزخ. همه انسان‌ها از اولین تا آخرین جمع می‌شوند و وارد مرحله جدیدی از زندگی و حیات می‌شوند و به پاداش یا جزای اعمال و رفتار زندگی دنیایی خود می‌رسند. عالم برزخ شخصی است و هر فرد وقتی بمیرد، وارد برزخ می‌شود؛ اما قیامت کبری مربوط به جمع است؛ یعنی همه افراد عالم یک مرتبه محشور می‌شوند. در هیچ‌یک از این دو مرحله نه چاره‌جویی‌ها مؤثر است و نه در برابر اراده الهی یار و یاورى وجود دارد. هول قیامت صغری مثل هول قیامت کبری

۱. «از هنگامی که انسان می‌میرد، قیامت او برپا شده است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۸، ص ۷ و ج ۷۳، ص ۶۷).

است، با این فرق که در قیامت صغری هولش^۱ فردی است و در قیامت کبری هولش
 جمیع خلق را فرا می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۴۶۵).

در قرآن کریم بیش از ۱۷۰ نام برای قیامت ذکر شده است که معروف‌ترین نام‌های
 قیامت کلمه «یوم القیامة» است که هفتاد بار در قرآن مجید ذکر شده است و حکایت از
 قیام عمومی بندگان و رستاخیز عظیم انسان‌ها می‌کند و توجه به آن انسان را به قیام در
 این دنیا برای انجام وظیفه دعوت می‌نماید.

با توجه به مطالب یادشده، قیامت امری است که در آینده جهان پیش می‌آید؛
 آینده‌ای که در آن انسان‌ها به خلود و زندگی ابدی می‌رسند؛ بنابراین باورپذیری آن و
 جریاناتی که در آن زمان رخ خواهد داد، برای انسان‌ها دارای ابهامات فراوانی است.
 وجود این ابهامات و از طرفی قطعی بودن قیامت باعث شده است که خداوند در قرآن
 کریم تأکیدهای فراوانی در مورد این مسئله بیاورد. با نظری اجمالی به آیات قرآن مجید
 می‌توان دریافت در میان مسائل عقیدتی هیچ مسئله‌ای در اسلام بعد از توحید به اهمیت
 مسئله معاد و اعتقاد به حیات بعد از مرگ و حسابرسی اعمال بندگان و پاداش و کیفر و
 اجرای عدالت نیست. وجود حدود ۱۲۰۰ آیه درباره معاد در بیش از ۶۲۰۰ آیه قرآن
 کریم که نزدیک به یک‌سوم آیات قرآن را تشکیل می‌دهد و اینکه «تقریباً» در تمام
 صفحات قرآن بدون استثنا، ذکری از معاد به میان آمده و اینکه بسیاری از سوره‌های
 اواخر قرآن به‌طور کامل یا به‌طور عمده، درباره معاد و مقدمات و علائم و نتایج آن
 سخن می‌گویند، شاهد این مدعا است که قیامت نقش محوری در قرآن کریم دارد. در
 جای جای قرآن مجید بعد از موضوع ایمان به خدا، ایمان به جهان دیگر آمده و تقریباً
 در سی آیه این دو موضوع را قرین هم قرار داده است: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ» یا
 تعبیری شبیه آن فرموده است و در بیش از صد مورد اشاره به «الْيَوْمِ الْآخِرَةِ - یا - الْآخِرَةِ»
 فرموده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۷).

مطالب یادشده دلالت دارند بر اینکه کلمه قیامت از نظر معنایی حقیقت در قیامت

کبری است و دیگر معانی به صورت استعاره مفهومی به کار رفته‌اند. در آیات قرآن کریم حدود هفتاد نام^۱ غیر از کلمه قیامت بیان شده است که هر یک به معانی ژرف و دقیقی از ابعاد قیامت پرداخته‌اند و همگی دارای استعاره مفهومی‌اند؛ بنابراین همه این نام‌ها به اختصار در قالب استعاره مفهومی هستی‌شناختی، ساختاری و جهت‌ی بررسی می‌شوند:

کلمه «یوم القیامه»: این کلمه بیشترین کاربرد را در قرآن کریم دارا است و غالباً برای قیامت با تمام اتفاقاتی که در آن زمان رخ خواهد داد، استفاده می‌شود؛ اما یازده مورد از این کلمه به همراه «الی» آمده است. این همنشین توانسته است معنای قیامت را به معنای دیگری تبدیل کند و به زمان دامنه‌دار برگرداند و در آن معنا به نوعی حقیقی شود. بسیاری از مفسران به این مسئله اذعان کرده‌اند و اندکی که آن را به غیر زمان طولانی مدت تفسیر کرده‌اند، در کلمات قبل و بعد، دخل و تصرف کرده‌اند. شاهد این مدعا در سه آیه از این یازده آیه وجود دارد. این آیات به سبب وجود دو همنشین یکی «یجمعنکم» قبل کلمه «الی یوم القیامه» و دیگری جمله «لاریب فیہ» بعد آن کلمه، توانسته به معنا و مفهوم یوم القیامه در آیات سوره انعام و جاثیه و نساء، جهت دیگری ببخشد و از معنای استعاره‌ای - زمان طولانی مدت - برگرداند و به معنای حقیقی قیامت که روز رستاخیز باشد، به کار رود. این آیات عبارت‌اند از: ۱۴ و ۶۴ سوره مائده،^۲ ۱۶۷ سوره

۱. بعضی افراد تعداد آنها را به ۱۰۰ نام بیان کرده‌اند.

۲. «وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَعَزَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعِدَاةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يَنْبَأُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛ از کسانی که گفتند ما نصرانی هستیم، از ایشان [نیز] پیمان گرفتیم و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند فراموش کردند و ما [هم] تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم و به زودی خدا آنان را از آنچه می‌کرده‌اند [و می‌ساخته‌اند]، خبر می‌دهد.» «وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعِدَاةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يَجِبُ الْمُفْسِدِينَ؛ و یهود گفتند: دست خدا بسته است. دست‌های خودشان بسته باد و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند. بلکه دست‌های او گشاده است، هر گونه بخواهد می‌بخشد و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم. هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت و در زمین برای فساد می‌کوشند و خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد.»

اما در بقیه آیات، يوم القیامه بدون حرف اضافه به معنای برانگیخته شدن پس از مرگ و قائم شدن مردگان و روزی است که خلائق همه برای محاسبه محشور شوند، مانند آیه ۹ و ۱۷ سوره حج،^۱ ۱۶ سوره مؤمنون^۲ و ۲۵ سوره نحل.^۳ اما آیات دیگر که به روز قیامت اشاره دارند و خداوند در قرآن با استعاره مفهومی از هر سه نوعش، هستی‌شناختی، ساختاری و جهتی بیان کرده است، به اختصار عبارت‌اند از:

۴-۱. آیات استعاره هستی‌شناختی قیامت

استعاره هستی‌شناختی یکی از بهترین راه‌های شناساندن مطالب مربوط به آینده از جمله قیامت است؛ بر همین اساس در قرآن کریم برای شناسایی قیامت غالباً از این نوع استعاره استفاده شده است. قیامت با استعاره مفهومی غیر ملموس اما قابل درک انسان‌ها و با بیانی بلیغ مطرح شده است. نمونه بعضی از آیات در جدول به اختصار آمده است:

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبداء
إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (واقعۀ، ۱)	قیامت	واقعۀ (کلی قابل درک)	واقعۀ عظیم	قیامت کبری	واقعۀ
هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (غاشیۀ، ۱)	قیامت	غاشیۀ (کلی قابل درک)	حوادث وحشتناک قیامت همه زیر پوشش است	قیامت کبری	غاشیۀ

۱. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغِينَ وَالنُّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ؛ کسانی که ایمان آوردند و کسانی که یهودی شدند و صابئی‌ها و مسیحیان و زرتشتیان و کسانی که شرک ورزیدند، البته خدا روز قیامت میانشان داوری خواهد کرد؛ زیرا خدا بر هر چیزی گواه است.»

۲. «ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُجْعَلُونَ؛ آن‌گاه شما در روز رستاخیز برانگیخته خواهید شد.»

۳. «لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ؛ تا روز قیامت بار گناهان خود را تمام بردارند و [نیز] بخشی از بار گناهان کسانی را که ندانسته آنان را گمراه می‌کنند. آگاه باشید، چه بد باری را می‌کشند.»

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبداء
<p>قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (انعام، ۱۵)</p> <p>لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (اعراف، ۵۹)</p> <p>أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (يونس، ۱۵)</p> <p>فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ (مريم، ۳۷)</p> <p>إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (شعراء، ۱۳۵)</p> <p>وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ (شعراء، ۱۵۶)</p> <p>فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (شعراء، ۱۸۹)</p> <p>قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (زمر، ۱۳)</p> <p>أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (احقاف، ۲۱)</p> <p>لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (مطففين، ۵)</p>	قیامت	عظیم (کلی قابل درک)	<p>پاداش و کیفر عظیم، دادگاه و حساب عظیم، حضور با عظمت خلاق در آن روز، و عظمت طول آن روز، عظمت هول و وحشت و هراس، و عظمت جنبش‌های آغاز رستاخیز و خلاصه عظمت در تمام جهات</p>	قیامت کبری	یوم عظیم

حوزه مبداء	حوزه مقصد	استعاره مفهومی	عبارت استعاره	کلمه کانونی	آیه مورد استناد
یوم الحساب	قیامت کبری	تمامی اعمال آدمی اعم از صغیر و کبیر، جزئی و کلی، معنوی و مادی، جوارحی و جوانحی (بدنی و روحی) بدون استثنا در آن روز مورد محاسبه قرار می‌گیرد	روز حساب (کلی قابل درک)	قیامت	<p>وَ قَالُوا رَبَّنَا عَجَلْ لَنَا قِطْنَا يَوْمَ الْحِسَابِ (ص، ۱۶)</p> <p>إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (ص، ۲۶)</p> <p>هَذَا مَا تُوَعَّدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ (ص، ۵۳)</p> <p>وَ قَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ (غافر، ۲۷)</p> <p>رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (ابراهيم، ۴۱)</p>
یوم الدین	قیامت کبری	اصل واژه «دین» به معنای خضوع و اتقیاد و اطاعت است و اگر این واژه بر معنای جزا اطلاق شده یا به سبب آن است که در مقابل آن باید مطیع بود یا اینکه جزا مولود	روز دین (کلی قابل درک)	قیامت	<p>مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (حمد، ۴)</p> <p>وَ الَّذِينَ يَصْدَفُونَ يَوْمَ الدِّينِ (معارج، ۲۶)</p> <p>وَ كُنَّا نُكَذِّبُ يَوْمَ الدِّينِ (مدثر، ۴۶)</p> <p>يَضَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ (انفطار، ۱۵)</p> <p>(انفطار، ۱۷) ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ (انفطار، ۱۸)</p> <p>الَّذِينَ يَكْذِبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ</p>

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبداء
(مطففین، ۱۱) هَذَا نَزَّلْنَاهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (واقعه، ۵۶) يَسْتَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ (ذاریات، ۱۲)			اطاعت است		
وَ أَنْذَرْنَاهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ وَ هُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (مریم، ۳۹)	قیامت	روز حسرت (کلی قابل درک)	روز اندوه و ندامت و حسرت شدید است؛ نه تنها برای بدکاران، بلکه حتی برای نیکوکاران؛ زیرا وقتی پادشاهای عظیم الهی را می بینند، تأسف می خورند چرا بیشتر و بهتر کار نیک انجام نداده اند	قیامت کبری	یَوْمَ الْحَسْرَةِ
يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ صَالِحاً يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً ذَلِكَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ (تغابن، ۹)	قیامت	روز مغبون شدن (کلی قابل درک)	در قیامت پرده‌ها کنار می رود و نتایج اعمال و عقائد و تیات آشکار می شود و انسان خود را در	قیامت کبری	يَوْمُ التَّغَابُنِ

حوزه مبدأ	حوزه مقصد	استعاره مفهومی	عبارت استعاره	کلمه کانونی	آیه مورد استناد
		مقابل انبوهی از نتایج و آثار اعمال خویش می‌بیند، و آنجا است که بدکاران از شکست و زیان خود و فریب و نیرنگ شیطان و ازدست‌دادن سرمایه‌های عظیم و محروم‌شدن از سعادت جاویدان و گرفتاری در چنگال عذاب الهی با خبر می‌شوند و این غبن حقیقی است			
	قیامت کبری يَوْمٌ ثَقِيلٌ	سنگین از نظر محاسبه‌ها، سنگین از نظر مجازات‌ها،	روز سنگین و دشوار (کلی قابل درک)	قیامت	إِنَّ هَؤُلَاءِ بِجُؤُنَ الْعَاجِلَةِ وَ يَذُرُونَ وِرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (انسان، ۲۷)

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبداء
			سنگین از نظر رسوایی‌ها، سنگین از نظر شدائد محشر و سنگینی مسئولیت‌ها و سنگین از نظر بار گناهان بر دوش مجرمان		
فَذٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ (مدثر، ۹)	قیامت	روز سخت (کلی قابل درک)	دادن حساب تمام اعمال حتی به اندازه سنگینی یک ذره و گذشتن از آن گردنه‌های سخت، کار بسیار دشواری است	قیامت کبری	يَوْمٌ عَسِيرٌ
اَنْ لَا تَعْبُدُوْا اِلَّا اللّٰهَ اِنِّيْ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ اَلِيْمٍ (هود، ۲۶) فَاخْتَلَفَ الْاَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْ عَذَابٍ يَوْمٍ اَلِيْمٍ (زخرف، ۶۵)	قیامت	روز دردناک (کلی قابل درک)	به سبب عذابش، رسوایی، ندامت و پشیمانی کشنده و انواع رنج‌های روحي دردناک است	قیامت کبری	يَوْمٌ اَلِيْمٌ

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبداء
مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ (هود، ۱۰۳)	قیامت	روز حضور یافتن همه (کلی قابل درک)	و حضور عمومی همه خلائق اعم از انس و جن و ملائکه در آن است	قیامت کبری	يَوْمٌ مَشْهُودٌ
لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ (واقعه، ۵۰) إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (حجر، ۳۸ و ص، ۸۱)	قیامت	روز قطعی اما نامعین (کلی قابل درک)	روز، معلوم، قطعی، و مسلّم است؛ هرچند تاریخ دقیق آن را ندانند همان طوری که هیچ کس تاریخ پایان عمر خود را نمی داند	قیامت کبری	يَوْمٌ مَعْلُومٌ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ
وَ الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (بروج، ۲)	قیامت	وعده (کلی قابل درک)	قیامت روزی است که به آن وعده داده شده	قیامت کبری	يَوْمِ الْمَوْعُودِ
يَوْمٌ تُبْلَى السَّرَائِرُ (طارق، ۹)	قیامت	آشکار شدن حالات و صفات و نیات درونی و پنهانی (کلی قابل درک)	نه تنها اعمال انسان ها که نیات و عقاید آنها نیز در آن روز همگی برملا می شود	قیامت کبری	يَوْمٌ تُبْلَى السَّرَائِرُ

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبداء
فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى (نازعات، ۳۴)	قیامت	غلبه (کلی قابل درک)	حوادث هولناک همه چیز را در خود فرو می‌برد و با ترس و وحشتی که دارد، بر همه غالب می‌شود	قیامت کبری	الطَّامَّةُ الْكُبْرَى
ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ (ق، ۳۴)	قیامت	همیشگی (کلی قابل درک)	جاودانگی برای مؤمن و کافر و برای بهشتی و جهنمی	قیامت کبری	يَوْمُ الْخُلُودِ
يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ (ق، ۴۲)	قیامت	خارج شدن (کلی قابل درک)	روز خارج شدن از مرگ به حیات و از عالم برزخ به عالم آخر	قیامت کبری	يَوْمُ الْخُرُوجِ
هَذَا يَوْمُ الْفُضْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكذِّبُونَ (صافات، ۲۱) لِيَوْمِ الْفُضْلِ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفُضْلِ (مرسلات، ۱۳ و ۱۴) هَذَا يَوْمُ الْفُضْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَ الْأُولَى (مرسلات: ۳۸) إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا (نبا، ۱۷)	قیامت	جداشدن (کلی قابل درک)	جدایی حق از باطل، جدایی صفوف مؤمنان و صالحان از کافران و مجرمان، جدایی برادر از برادر، و پدر و مادر از فرزند، و جدایی سرنوشت خوبان از بدان	قیامت کبری	يَوْمُ الْفُضْلِ

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبداء
<p>مَنْ حَوْلَهَا وَ تُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (شوری، ۷)</p> <p>يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ النَّعَابِ وَ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ صَالِحاً يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَ يَدْخُلُهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (تغابن، ۹)</p>	قیامت	جمع شدن (کلی قابل درک)	تمام انسان‌های اولین و آخرین و همه جن و حتی ملائکه مقربین در آنجا جمع‌اند	قیامت کبری	يَوْمُ الْجَمْعِ
<p>وَ نُفِّخُ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعْدِ (ق، ۲۰)</p>	قیامت	روز ترس (کلی قابل درک)	ترس از اینکه تمام مجازات‌های روز قیامت است	قیامت کبری	يَوْمُ الْوَعْدِ
<p>ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَأْسًا (نبا، ۳۹)</p>	قیامت	حقیقی (کلی قابل درک)	واقعیتی است انکارناپذیر	قیامت کبری	يَوْمُ الْحَقِّ
<p>يُوقُونَ بِاللَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيراً (انسان، ۷)</p>		گسترده‌گی شر و عذاب (کلی قابل درک)	گسترده‌گی آن عذاب روز قیامت، هول، وحشت و به حدی تمام زمین و آسمان را پر می‌کند،		مُسْتَطِيراً

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبداء
يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (ق، ۴۴)		جداشدن مافی الضمیر زمین (کلی قابل درک)	شکافتن زمین و جداشدن اجساد از آن		يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ
يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (ابراهیم، ۴۸)		تغییر چهره زمین (کلی قابل درک)	روز که زمین و کوه‌ها سخت به لرزه درمی‌آید و عالم دگرگون		يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ
كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (روم، ۵۶)	قیامت	برانگیختن (کلی قابل درک)	آن روز، روز حیات عمومی بعد از مرگ است	قیامت کبری	يَوْمُ الْبَعْثِ

۴-۲. آیات استعاره ساختاری قیامت

این استعاره از نظر کمی آیات در مرحله دوم قرار دارد. با تتبع انجام شده نوزده مورد در آیات قرآن کریم درباره قیامت آمده است که خداوند از طریق استعارات ملموس روز قیامت را به مخاطبان خود معرفی کرده است. در این آیات خداوند قیامت را با حوادثی که مردم جهان در طول عمر خود با آن از نظر مادی روبه‌رو شده‌اند یا آن را لمس کرده‌اند، تعبیر کرده تا درک آن واقعه عجیب، برای مردم راحت‌تر صورت پذیرد. خلاصه نوزده مورد در جدول به شرح ذیل قابل بررسی است.

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبدأ
إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا (واقعہ، ۴) يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبَعَهَا الرَّادِفَةُ (نازعات، ۶-۷) يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَ كَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا (مزل، ۱۴)	قیامت	رجا (ملموس)	لرزیدن و درهم کوبیدن زمین	قیامت کبری	رجا راجفه
إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمَطِرًا (انسان، ۱۰)	قیامت	قیافه‌اش را درهم کشیده (ملموس)	یعنی آن قدر حوادث آن سخت و ناراحت کننده است که نه تنها انسان‌ها در آن روز عبوس اند، بلکه گویی خود آن روز نیز قیافه‌اش را سخت درهم کشیده و ناراحت است	قیامت کبری	يَوْمًا عَبُوسًا
يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْتُوثِ (قارعه، ۴) يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَ أَبِيهِ وَ صَاحِبَتِيهِ وَ بَنِيهِ لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (عبس، ۳۴-۳۷)	قیامت	پروانه‌های پراکنده و فرار کردن (ملموس)	مجرمان در آن روز همانند پروانه دور آتش در حالت حیران و سرگردانی هستند	قیامت کبری	الْفَرَاشِ الْمَبْتُوثِ وَ يَوْمَ يَفِرُّ
فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (مزل، ۱۷)	قیامت	پیری (ملموس)		قیامت کبری	

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبدأ
يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (معارج، ۸)	قیامت	فلز گداخته (ملموس)	صفحه آسمان است که بر اثر انفجار کرات به صورت فلز گداخته درمی آید	قیامت کبری	الْمُهْلِ
مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا لَهُمْ جَهَنَّمُ وَبُئْسَ الْمِهَادُ (آل عمران، ۱۹۷)	قیامت	قرارگاه (ملموس)	و جهنم بد آرامگاهی است	قیامت کبری	بُئْسَ الْمِهَادُ
اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (اسراء، ۱۴) وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُسْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يُظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا (كهف، ۴۹)	قیامت	خواندن و بازکردن نامه (ملموس)	ثبت کردن یا نوشتن و خواندن نامه، تجربه ای است که در این آیه در مورد اعمال انسان به کار رفته است	قیامت کبری	اقْرَأْ كِتَابَكَ وَضِعَ الْكِتَابِ
وَعَرَضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا (كهف، ۴۸)	قیامت	صف بستن (ملموس)		قیامت کبری	صَفًّا
مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنزِلْ يَوْمَ التَّلَاقِ (غافر، ۱۵)	قیامت	ملاقات کردن (ملموس)	انسانها با فرشتگان حساب و پاداش و کیفر تلاقی دارند	قیامت کبری	يَوْمَ التَّلَاقِ

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبدأ
و يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ (غافر، ۳۲)	قیامت	صدازدن (ملموس)	در صحنه محشر، مردم یکدیگر را صدا می‌زنند و از هم کمک می‌خواهند یا این‌که فرشتگان مردم را برای حساب صدا می‌زنند و مردم فرشتگان را برای استمداد!	قیامت کبری	
يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (آل عمران، ۱۰۶)	قیامت	سیاهی و سفیدی صورت (ماموس)	صالحان در زمره روسفیدان هستند و تمام اهل کفر و مجرمان در صف سیه‌رویان	قیامت کبری	تَبْيَضُّ و سواد
إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ (غافر، ۵۱)	قیامت	شهادت (ملموس)	شاهدان بسیاری در آن دادگاه عظیم، ادای شهادت می‌کنند، شهادتی که مایه آبرو و افتخار مؤمنان، و رسوایی و ذلت مجرمان است	قیامت کبری	يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ
وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (معارج، ۹)	قیامت	پشم زده شده (ملموس)	نرم شده کوه دارای صخره‌های مستحکم	قیامت کبری	الْعِهْنِ

۴-۳. آیات استعاره جهت قیامت

این استعاره آیات زیادی را با مفهوم قیامت به سبب وجود کلمه آخرت در بر گرفته است؛ اما از نظر تعداد مفاهیم، کلمات کمتری نسبت به استعاره هستی‌شناختی و ساختاری دارا است. خداوند در این آیات قیامت را با استعارات دوری و نزدیکی و بالا و پایین شدن و نوع آهنگ و... معرفی کرده است که خلاصه استعارات جهت در جدول آمده است:

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبدأ
<p>يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَ لَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (انعام، ۷۳) يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَ نَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا (طه، ۱۰۲) وَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَمَرَعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَ كُلُّ أَتَوَهُ دَاخِرِينَ (نمل، ۸۷) يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَقْوَامًا (نبأ، ۱۸) فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (عبس، ۳۳) يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ (ق، ۴۲)</p>	قیامت	نوع و چگونگی بیدار شدن از قبر	آهنگ تند و گوش خراشی که دارد، انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد	قیامت کبری	نَفْخُ فِي الصُّورِ الصَّاحَّةِ الصَّيْحَةَ
<p>تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (معارج، ۴)</p>	قیامت	مواقف پنجاه‌گانه قیامت	مواقف پنجاه‌گانه‌ای که هریک در قیامت هزار سال طول می‌کشد	قیامت کبری	خَمْسِينَ أَلْفَ

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبدأ
وَ أَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبِ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينٍ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَ لَا شَفِيعٍ يَطَاعُ (غافر، ۱۸)	قیامت	نزدیک بود ن قیامت	قیامت بیش از آنچه مردم فکر می کنند نزدیک است	قیامت کبری	یَوْمُ الْآزِفَةِ
الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (غافر، ۱۷) أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (بقره، ۲۰۲) وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (آل عمران، ۱۹) أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (آل عمران، ۱۹۹) وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (مائده، ۴) وَ اللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ وَ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (رعد، ۴۱) لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (ابراهيم، ۵۱) وَ وَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَاهُ حِسَابَهُ وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (نور، ۳۹)	قیامت	نوع حساب رسی	سرعت در رسیدگی به حساب	قیامت کبری	سَرِيعُ الْحِسَابِ
أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَ مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ بُئِسَ الْمِهَادُ (رعد، ۱۸) وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يوصلَ وَ يَخْشُونَ رَبَّهُمْ وَ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (رعد، ۲۱)		بدی حساب		قیامت کبری	

آیه مورد استناد	کلمه کانونی	عبارت استعاره	استعاره مفهومی	حوزه مقصد	حوزه مبدأ
<p>وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (بقره، ۸)</p> <p>الصَّابِقِينَ مَن آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره، ۶۲)</p> <p>يُوَعِّظُ بِهِ مَن كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمَ أَزْكَى لَكُمْ وَ أَطْهَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (بقره، ۲۳۲)</p> <p>الْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (بقره، ۲۶۴)</p> <p>و ۲۱ مورد دیگر در آیات قرآن آمده است.</p>	قیامت	انتهای دنیا	آخرت را از این نظر آخرت نامیده‌اند که بعد از دنیا است، و دنیا از این نظر دنیا نامیده شده که به مردم نزدیک است	قیامت کبری	یوم الآخِرِ

نتیجه‌گیری

قرآن کریم به مسئله قیامت به صورت ویژه در آیات بسیاری پرداخته است و تقریباً کمتر سوره‌ای است که به قیامت یا احوال آن روز نپرداخته باشد. بسیاری از آیات به چگونگی زندگی مؤمنان و کافران اشاره دارند و بسیاری دیگر به نام‌های آن روز به صورت حقیقت یا مجاز (استعاره) پرداخته‌اند که هریک از این استعاره‌ها به یکی از اتفاقات آن روز اشاره دارند؛ بنابراین برای شناخت مفهوم قیامت و تصدیق آن کشف استعارات مفهومی این اسما ضروری می‌نماید. لیکاف و جانسون نخستین نظریه‌پردازان استعاره مفهومی به شمار می‌روند. لیکاف و جانسون استعاره مفهومی را به سه نوع

جهتی، هستی‌شناختی و ساختاری تقسیم کرده‌اند. از آنجایی که معاد و آخرت به دلیل ناملموس و نامحسوس بودن، موضوعی غیرمحسوس و از جمله علوم آینده است، خداوند این مرحله از زندگی پس از مرگ را در قالب و ابزار زبان به صورت استعاری بیان کرده است تا قابل درک باشد. استعاره ساختاری و هستی‌شناختی و جهتی، از این ابزارها به شمار می‌آیند. با بررسی انجام‌شده به این نتیجه می‌رسیم:

۱. بیشترین استعاره مطرح‌شده درباره نام قیامت از نوع هستی‌شناختی است.
۲. استعاره ساختاری در مرحله دوم و استعاره جهتی بسیار کم در قرآن کریم آمده است.
۳. کنار هم قراردادن این استعارات نمای کامل و دقیقی از قیامت را پیش روی پژوهشگران ارائه خواهد داد.
۴. کلمه یوم‌القیامه هفتاد بار در قرآن آمده که غیر از نه آیه بقیه صراحت در روز معاد و رستاخیز دارند و این کلمه در واقع برای روز رستاخیز اصطلاح و عَلم شده است.
۵. دومین کلمه که به قیامت اشاره دارد و از نظر تعداد ۲۶ مورد است که فقط چهار مورد در کنار ایمان نیامده است، از جمله استعارات نزدیک به معنای حقیقی است. با توجه به اینکه این علم از علوم نو و تازه است، بهره‌گیری درست از آن می‌تواند محققان و پژوهشگران محترم را در کشف و پرده‌برداری از جملات و کلمات قرآن کریم یاری رساند.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۹۹۹ق). لسان العرب (چاپ اول). بیروت: نشر دار صادر.
۲. امینی، حیدرعلی؛ کامیابی گل، عطیه؛ و نوروزی، علی. (بی تا). بررسی استعاره مفهومی هستی شناختی در سوره واقعه، در: مجموعه مقالات دومین همایش ملی قرآن کریم و زبان و ادب عربی. [بی جا]: [بی نا].
۳. امینی، حیدرعلی؛ کامیابی گل، عطیه؛ و علی نوروزی. (بی تا). بررسی استعاره مفهومی ساختاری سوره نبا در قرآن کریم. دومین کنگره بین المللی فرهنگ و تمدن دینی، مؤسسه سفیران فرهنگ مبین.
۴. جانسون، مارک؛ لیکاف، جرج. (۱۳۹۴). استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم (مترجم: هاجر آقا ابراهیمی). تهران: نشر علم.
۵. خادم‌زاده، وحید؛ سعیدی‌مهر، محمد. (۱۳۹۳). استعاره‌های مفهومی علیت در دیدگاه لیکاف. فصلنامه علمی - پژوهشی شناخت، ۲(۷۱)، صص ۷-۳۴.
۶. دادبه، اصغر؛ و فرزانه، بابک. (۱۳۹۹). بیان. دائرةالمعارف اسلامی (جلد ۱۳).
<https://www.cgie.org.ir/fa/article/229209>
۷. صباحی گراغانی، حمید؛ حیدریان شهری، احمدرضا و محمدحسین زاده، عبدالرضا. (۱۳۹۵). بررسی استعاره مفهومی در سوره بقره، رویکرد زبان‌شناسی شناختی. نشریه ادب و زبان، ۲(۳۹)، صص ۸۵-۱۰۸.
۸. عبدی چاری، مرتضی. (۱۳۹۴). تاملی بر وضعیت ادیان در عصر ظهور (چاپ اول). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

۱۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (چاپ دهم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). پیام قرآن (چاپ نهم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. هاشمی، زهره. (۱۳۸۹). نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون. فصلنامه علمی - پژوهشی ادب‌پژوهی، ۲(۱۹)، صص ۱۱۹-۱۳۹.
۱۳. هاوکس، ترنس. (۱۳۷۷). استعاره (مترجم: فرزانه طاهری). تهران: وزارت امور خارجه نشر مرکز.

14. Lakoff, George. (1992). *The Contemporary Theory of Metaphor*. In Ortony, Andrew (ed.). *Metaphor and Thought*. Cambridge: Cambridge University Press.

References

1. Abdi Chari, M. (1394 AP). *Reflections on the Situation of Religions in the Age of Emergence*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
2. Amini, H. A., Kamyabi Gol, A., & Nowruzi, A. (n.d.). A study of the structural conceptual metaphor of Surah An-Naba in the Holy Quran. *The Second International Congress of Religious Culture and Civilization*. Mobin Culture Ambassadors Institute. [In Persian]
3. Amini, H. A., Kamyabi Gol, A., & Nowruzi, A. (n.d.). Examining the ontological conceptual metaphor in Surah Al-Waqi'a. *Proceedings of the Second National Conference on the Holy Quran and Arabic Language and Literature*. n.p. [In Persian]
4. Dadbeh, Asghar; and Farzaneh, Babak. (1399). Expression. *Islamic Encyclopedia* (Vol. 13). Retrieved from <https://www.cgie.org.ir/en/article/229209>. [In Persian]
5. Hashemi, Z. (1389 AP). Conceptual Metaphor Theory as Proposed by Lakoff and Johnson. *Adab Pazhuhi*, 2(19), pp. 119-139. [In Persian]
6. Hawkes, T. (1377AP). *Metaphor* (F. Taheri, Trans.). Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
7. Ibn Manzur. (1999 AH). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
8. Johnson, M; Likoff, G. (1394 AP). *The metaphors we live with* (Translator: Hajar Agha Ebrahimi). Tehran: Alam Publishing. [In Persian]
9. Khademzadeh, V., & Saeedi Mehr, M (1393 AP). Conceptual metaphors of causality in the Lakoff's view. *Journal of Recognition*, 2(71), pp. 7-34. [In Persian]
10. Lakoff, G. (1992). The Contemporary Theory of Metaphor. *Metaphor and Thought* (A. Ortony, Ed.). Cambridge: Cambridge University Press.

11. Majlisi, M. B. (1404 AH). *Bharalanvar*. Beirut: Al-Wafa Institute. . [In Arabic]
12. Makarem Shirazi, N. (1371 AP). *Tafsir Nemooneh* (10th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
13. Makarem Shirazi, N. (1386 AP). *Message of the Quran* (9th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
14. Sabahi Garaghani, H., Heidarian Shahri, A. R., & Mohammadhossienzadeh, A. R. (1395 AP) A Study of Conceptual Metaphor in Surah Baqarah. *Journal of Prose Studies in Persian Literature*, 19(39), pp. 85-108.] In Persian]